

## بررسی فرایند آموزش کودکان استثنایی

فاطمه کوسه غراوی<sup>۱</sup>، کبری کلاتی<sup>۲</sup>، آتنا کاردل<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران

نام نویسنده مسئول:

فاطمه کوسه غراوی

### چکیده

همگانی بودن امر آموزش و پرورش، ما را به این نکته می‌رساند که همه افراد حتی افراد استثنایی نیز باید آموزش ببینند و خارج از حیطه آموزش نیستند. این آموزش در صورتی می‌تواند به سهولت انجام پذیرد که قبل از هر چیز شناخت و درک درستی از روح و روان این گروه از کودکان حاصل شود. اندیشه صاحب نظران بسیاری در مورد روان شناسی قبل از شروع فرایند یادگیری مانند کاهش اضطراب، تقویت مهارت های اجتماعی، مسئولیت پذیری و قرار گرفتن در موقعیت های جدید، در خور توجه می باشد. در این پژوهش، سعی شده است به بررسی تعدادی از روش های مذکور پرداخته و نیز اهمیت یادگیری و آموزش در جهت شکوفا شدن هرچه بیشتر ذهن این گروه از کودکان، بررسی شود. تاکید این نوشتار بر این است که معلمان کودکان به ویژه کودکان استثنایی ابتدا سعی کنند روانشناسی و سپس آموزش را انجام دهند. شناخت روان و شخصیت کودکان استثنایی علاوه بر اینکه سبب تقویت مهارت های اجتماعی آن ها می شود، راحت تر می توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و مسئولیت هایی را در جامعه قبول کنند. روش پژوهش، تحلیلی و توصیفی می باشد که با چینش و تحلیل داده های اطلاعاتی که از مراجع معتبر چون؛ کتب، مقالات و پایگاه های اینترنتی اخذ شده است، در این نوشتار به بحث گذاشته شده است.

**واژگان کلیدی:** روان شناسی، آموزش، کودکان استثنایی

## مقدمه

غالباً تصور می شود که آموزش و پرورش کودکان استثنائی باید در محلی جداگانه انجام شود؛ در حالی که بر خلاف این تصور، چگونگی محتوای آموزش است که آموزش کودک را استثنائی می کند و نه محل و مکان آموزشی [چینی فروشان، ۱۳۷۱: ۱۰] توجه به مسئله تعلیم و تربیت از دیر باز مورد توجه همگان بوده و عقیده بر آن است که همه ی افراد جامعه چه توانمند و چه ناتوان باید آموزش ببینند و تربیت شوند. اقتضای ضرورت این نوشتار این است که کودکان استثنائی اگرچه در بعضی مسائل با مشکلاتی مواجه می شوند ولی ممکن است که آن ها در بسیاری از اعمال روزمره خود مهارت های خارق العاده ای از خود نشان دهند که انسان های عادی و توانمند از عهده انجام آن بر نمی آیند. درک این توانایی و مهارت ها بستگی به این دارد که ما تا چه اندازه این کودکان را بشناسیم و با روح و روان آن ها آشنا باشیم و متناسب با روحیه شان به آن ها آموزش دهیم. این نوشتار در صدد بررسی شخصیت و روان کودکان برای برقراری روابط اجتماعی است و در مرحله بعد قصد دارد به چگونگی آموزش کودکان استثنائی بپردازد.

## ۱- تعریف مفاهیم

### ۱-۱- کودکان استثنائی

ابتدا تعریفی از کودکان استثنائی ارائه می دهیم تا بتوانیم با بررسی ویژگی هایی که در تعریف آمده این کودکان را بشناسیم و با شناختی که از آن ها به دست آوردیم آموزش های مناسبی ارائه دهیم. از نظر آموزشی، امروزه واژه استثنائی به کودکانی اطلاق می شود که از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه ای با دیگر کودکان همسال خود دارند، به نحوی که به لحاظ همین تفاوت های محسوس قادر نیستند از برنامه های درسی عادی که اصولاً بر پایه ویژگی ها و توانایی های مشترک اکثر کودکان در سنین مختلف تنظیم شده است، به طور بایسته و شایسته بهره مند شوند. بنابراین تعریف، واژه «کودکان استثنائی» کودکان تیزهوش، عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا، ناسازگار، معلولین جسمی- حرکتی و ناتوان در یادگیری خاص و نظایر آن را شامل می شود [افروز، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۸۰].

جناب آقای دکتر بهروز میلانی فر در تعریف این واژه می نویسند: «عده ای از کودکان به اندازه ای با کودکان دیگر فرق دارند که باید توجه خاص به آنان مبذول کرد. این انحراف به طور کلی در تمام خصوصیات جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی آنان دیده می شود که باعث بروز اشکال و مانعی بزرگ در سازگاری آن ها با محیط اجتماع می گردد و به همین منظور به این دسته از افراد اجتماع، «استثنائی» می گویند. [تهذیبی، ۱۳۸۴: ۳۹].

### ۱-۲- آموزش برای کودکان استثنائی

اصطلاح آموزش استثنائی یا آموزش برای کودکان استثنائی عبارت از ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در برنامه های عادی آموزش و پرورش و برنامه ریزی آموزشی متناسب با ویژگی های فردی، اتخاذ روش ها و شیوه های خاص تربیتی، تهیه وسایل و لوازم ویژه برای کمک به کودکان استثنائی است، به گونه ای که هر کس به فراخور ویژگی های ذهنی و جسمی خود به حداکثر توانایی ها و استعداد های بالقوه خویش نایل آید. در واقع آموزش استثنائی یک نظام آموزشی بالینی است که هدف آن توجه به توانایی های کودک استثنائی است نه ناتوانی های او [افروز، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۸۰].

روش های بهبود آموزش کودکان استثنائی

الف: روان شناسی دانش آموزان استثنائی

الف(۱): کاهش اضطراب اجتماعی در دانش آموزان استثنائی

دانش آموزان استثنائی به ویژه کودکان کم توان ذهنی در مواجهه با موقعیت های جدید، تنشی در آن ها ایجاد می شود و دچار استرس می شوند. این استرس ها ناشی از ضعف آن ها در برقراری رابطه مناسب است. بنابراین قبل از اینکه آموزشی صورت بگیرد می بایست استرس و اضطراب آن ها را کاهش داد. برخی افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی، مهارت های اجتماعی و شیوه های مناسب ارتباط بین فردی را نیاموخته اند، شاید به این دلیل که بعضی از آن ها هرگز در معرض آموزش قرار نگرفته اند؛ بنابراین آن ها نمی دانند که در موقعیت های اجتماعی باید چه رفتاری داشته باشند؛ لذا در هنگام قرار گرفتن در شرایطی که نیاز به برقراری روابط دوستانه و مناسب بین فردی باشد، دچار اضطراب می شوند نوجوانان و خصوصاً نوجوانان با کم توان ذهنی که اغلب در تعاملات اجتماعی مناسب با بزرگسالان و همسالان در موقعیت های مختلف مشکل دارند، در نتیجه ناتوانی در برقراری رابطه صمیمانه و رضایت بخش با دیگران، از روبرو شدن با واقعیت، ناراحت، مضطرب و غمگین شده و از این که مورد ارزیابی منفی از سوی دیگران قرار گیرند، هراس دارند. همچنین این افراد از روبرو شدن با افراد غریبه و قرار گرفتن در موقعیت های اجتماعی جدید خودداری می کنند و در صورت قرار گرفتن در این موقعیت ها

دچار اندوه و پریشانی می شوند و در هنگام روبرو شدن با دوستان و نزدیکان نیز همین احساس به آن ها دست می دهد. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش و تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی در کاهش اضطراب اجتماعی و ابعاد آن در نوجوانان کم توان ذهنی پیشنهاد می شود کارگاه های آموزش مهارت های زندگی، به ویژه مهارت های ارتباطی، در مدارس خاص دانش آموزان مبتلا به کم توان ذهنی در کنار برنامه های تحصیلی به منظور کاهش اضطراب اجتماعی در روابط اجتماعی برگزار شود و یا واحد درسی مهارت های زندگی با تاکید بر آموزش مهارت های ارتباطی به این دانش آموزان ارائه شود [برزگر بفرولی، زارعی حسین آبادی، امیدیان، ۱۳۹۵: ۱۸۸-۱۸۶].

#### ب(۲): بهبود مهارت های اجتماعی کودکان استثنایی

یکی از روش های آموزش مهارت های اجتماعی، یادگیری مشاهده ای، تقلید یا الگوسازی اجتماعی است. افکار و احساسات نیز با آموزش مهارت های اجتماعی در ارتباط است. محور آموزش ادراک اجتماعی را هر دو ارتباط کلامی و غیر کلامی تشکیل می دهد. شیوه هایی که در آموزش مهارت های اجتماعی مربوط به عواطف بکار می روند یکی روش حل مساله و دیگری نحوه تنش زدایی می باشد [ابارشی و تیموری، ۱۳۹۲: ۴۲]. علاوه بر این که اضطراب، مانع یادگیری در افراد کم توان می شود و عامل اصلی اضطراب، ضعف در برقراری رابطه با دیگران می باشد، عامل دیگری نیز وجود دارد که افراد استثنایی قبل از آموزش باید آن را یاد بگیرند تا بتوانند به کمک آن سریع تر به هدف معلم که یادگیری است، دست یابند. در بین کودکان کم توان، کودکان ناشنوا و کم شنوا در برقراری ارتباط و مهارت های اجتماعی دچار مشکل می شوند؛ بنابراین باید توجه ویژه ای به کودکان کم شنوا و ناشنوا داشته باشیم تا بتوانیم در برقراری رابطه و بهبود مهارت های اجتماعی به آن ها کمک کنیم. تردیدی نیست ضعف یا فقدان شنوایی باعث محدودیت در توانایی های هوشی فرد و بالطبع محدودیت در تعاملات اجتماعی و بالاخره تاخیر در رشد اجتماعی می شود. ناشنوایی و کم شنوایی پیامد های روانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی خاص خود را به دنبال دارد که شناخت این پیامد ها می تواند معلمان را در برخورد مناسب با این گروه از دانش آموزان و هدایت آنان یاری کند. [متسون و اولندیک، ۱۹۸۸: بی جا].

## ۲- آموزش کودکان استثنایی

### ۲-۱ آموزش از طریق بازی های آموزشی رایانه ای

بعد از شناخت روحیه و روان دانش آموزان کم توان، نوبت به آموزش این کودکان می رسد. دانش آموزان کم توان همانند دانش آموزان عادی برای آموزش خود نیاز به تنوع دارند، این تنوع بیشتر با ارائه آموزش از طریق بازی و مسابقه ایجاد می شود و هیجان در بازی ها و مسابقات سبب یادگیری در افراد می شود و انگیزه آن ها را بالا می برد. بازی یکی از نیازهای طبیعی کودکان است، که برای آنان فایده های بسیاری دارد. کودکان، هنگام بازی کردن، بدون اینکه خود بدانند، درون خویش را آشکار می سازند، به توسعه مهارت های مختلف می پردازند، تعارض ها و ناکامی های خود را بازگو می کنند و کوتاه سخن اینکه از رهگذر بازی کردن، رشد می کنند [گنجی، ۱۳۸۲: ۳۳]. پژوهش های انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که بازی های رایانه ای، به دلایل متعددی از جمله به کارگیری حواس مختلف در جریان بازی، برخورداری از گرافیک قابل توجه، جلوه های ویژه، سطوح مختلف ساده تا دشوار بازی، ارائه بازخورد های لازم در برخی از بازی ها به کاربر و مانند آن، در مقایسه با آموزش سنتی، از کارایی بالاتر و بهتری برخوردار است [منطقی، ۱۳۸۷].

### ۲-۲ آموزش از طریق داستان خوانی و بازگویی داستان

از دیگر راه های افزایش انگیزه خواندن در کودکان کم توان، خواندن داستان های متنوع است. تعریف کردن داستان برای کودکان کم توان باعث می شود که آن ها را به وجد آورد و علاقه به خواندن آن ها را افزایش دهد. اما این داستان خوانی زمانی منجر به یادگیری دانش آموزان می شود و سطح درک خواندن آن ها را می سنجد که همراه با بازگویی داستان باشد و دانش آموزان احساسات خود را نیز ضمن بازگویی داستان بگویند. یکی از راهبرد های مبتنی بر داستان در آموزش کودکان با نارساخوانی، راهبرد بازگویی داستان است. این راهبرد یک تکنیک ارزیابی است که به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد و می تواند سطح درک خواندن دانش آموزان را بسنجد. این راهبرد همچنین به عنوان یک روش تدریس، خواندن و رشد درک مطالب مورد استفاده قرار می گیرد. این فن می تواند برای کودکان در هر سنی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین به طور معنی داری به بهبود درک خواندن و درک و احساس ساختار داستان موثر است و به ارتقاء روانی خواندن کمک می کند.

فوکس ایدز اشاره می کند؛ استفاده از داستان به تقویت احساسات مثبت در کودکان کمک می کند. استفاده از قصه درمانی، به عنوان یک فن درمانی، ابعاد گسترده ای دارد و تنها به درمان مشکلات روان شناختی کودکان محدود نمی شود. گوش دادن به داستان و گفتن داستان می تواند به کاهش استرس در کلاس درس، ارتقاء سواد، مهارت های صحبت کردن و گوش دادن، کمک به کودکان برای رشد راهبرد های فکر کردن و ترویج رشد اجتماعی و عاطفی کمک کند. (ایدز، ۲۰۰۶) یوسفی لویه و متین در پژوهش خود که با هدف بررسی

تأثیر قصه درمانی بر راهبرد های رویایی در کودکان با مشکلات یادگیری انجام گرفت، به این نتیجه رسیدند که قصه درمانی موجب بهبود راهبرد های رویایی در کودکان با مشکلات یادگیری می شود [یوسفی لویه، متین، ۱۳۸۵].

### ۳-۲ آموزش از طریق تقلید متقابل

از دیگر راه های آموزش کودکان استثنایی استفاده از روش تقلید متقابل است که این روش بیشتر برای کودکان درخودمانده حائز اهمیت فراوان است. بیشتر کودکان استثنایی توانایی کافی در تقلید آنچه که دیگران انجام می دهند ندارند؛ چون آن ها در انجام برخی کارها ضعف دارند و همین امر نیز سبب شده که انگیزه تقلید نداشته باشند. آموزش توانایی تقلید به کودکان سبب می شود که آن ها درگیر فعالیت می شوند و در برقراری ارتباط تقویت شوند. زاکریس اشاره می کند روش آموزش تقلید متقابل، نوعی برنامه مداخله طبیعی برای آموزش میانی و اصول مهارت های پیش گفتاری ارتباطی به کودکان دارای اختلال درخودماندگی است که برای آموزش مهارت های تعامل اجتماعی به کودکان خردسال درخودمانده طراحی شده است که در محیط طبیعی روی می دهد.

برخلاف آموزش تقلیدی ساختار مند در آموزش تقلید متقابل، درمان گر از تمام ژست ها، کلمات و اعمال کودک با استفاده از اسباب بازی تقلید می کند و میزان علاقه کودک و نیز تقلید از گفتار کودک، تلفظ های پیش کلام، استفاده از زبان و گفتار خودبه خودی مورد توجه درمان گر است. لذت از ارتباط، ادراک چهره ای افراد، همکاری، درک مفاهیم و نشانه های غیر کلامی، توانایی توجه به فرد دیگر، ادراک معنی موجود در صداها، توانایی انتخاب، انجام حرکات ظریف، آگاهی فضایی و لذت حضور در جمع از مهم ترین هدف های درمانی در روش آموزش تقلید متقابل است.

### ۴-۲ آموزش از طریق موسیقی درمانی

برای تسهیل آموزش در کودکان استثنایی می توان از روش موسیقی درمانی بهره برد. در آموزش کودکان استثنایی بهتر است از سازهایی استفاده کنیم که نواختن آن برای کودکان آسان تر باشد و توجه آن ها را جلب کند. وقتی کودکان با هم می خوانند، سرشار از شور و توانایی گروهی می شوند. ترانه ها تصورات ذهنی آنها را به گونه ای فعال و پویا می سازد و بدیهی است انتخاب اشعاری که تصورات و برداشت های مثبت از محیط و پدیده ها را به کودک منتقل می سازد، اهمیت ویژه ای دارد. ریتم و آهنگ ترانه ها به کودکانی که اندکی دغدغه ناتوانی و ارتباط خود با محیط، موفقیت، توانایی و ترس از قرار گرفتن در موقعیت جدید را دارند کمک می کند و کودک گوشه گیر و منزوی را فعال می سازد. بر اساس اظهاراتی که در دانشنامه رشد، شبکه ملی مدارس آمده است می توان گفت: از برنامه های موسیقی درمانی برای سازگاری اجتماعی، ثبات عاطفی، کنترل شخصی، افزایش تمرکز، انگیزش، احساس ارزش شخصیتی، تقویت هماهنگی ماهیچه ها و تقویت مهارت های خودیاری استفاده می شود و تنظیم برنامه ها به گونه ای است که به تقویت رفتار مطلوب کودکان می انجامد. کودکان استثنایی برحسب نوع نقیصه حسی و حرکتی از فعالیت های متنوع موسیقی درمانی استفاده می کنند. آواز خواندن، نواختن فردی و گروهی، شنیدن و انجام حرکات موزیکال، از جمله برنامه های جلسات موسیقی درمانی می باشد.

### ۵-۲ آموزش از طریق هوش هیجانی

این آموزش بیشتر برای دانش آموزان با آسیب های بینایی استفاده می شود. این دانش آموزان به سبب اینکه از لحاظ دیداری نمی توانند با محیط اطراف و دیگران ارتباط برقرار کنند کمتر می توانند بر هیجانات خودشان تسلط داشته باشند. در این میان، دانش آموزانی که بتوانند بر هیجانات خود غلبه داشته باشند موفق تر هستند و زندگی لذت بخش تری خواهند داشت. برخی بر این باورند که محیط های اجتماعی و رسانه های جمعی باعث رشد مهارت های هیجانی می شود، اما کودکان با آسیب بینایی از این نعمت برخوردار نیستند بنابراین مهارت هوش هیجانی باید به آن ها آموخته شود. آموزش مهارت هوش هیجانی در دانش آموزان با آسیب بینایی علاوه بر این که باعث می شود، بر رفتارها و هیجانات خود کنترل داشته باشند، قدرت برقراری ارتباط را نیز در آن ها افزایش می دهد [به پژوه، کرمی غباری بناب، شکوهی یکتا، ۱۳۹۲].

### نتیجه گیری

با مرور آنچه که در این نوشتار آمده است می توان اذعان کرد، قبل از اینکه آموزشی رخ دهد معلمان باید به خوبی با روان و شخصیت دانش آموزان آشنایی داشته باشند و آشنایی با روح و روان دانش آموزان استثنایی محسوس تر است. این دانش آموزان در بسیاری از موارد بخاطر ضعف در انجام برخی کار های روزمره خود، به خوبی نمی توانند آموزش ببینند، بنابراین تاکید این نوشتار بر این است که معلمان کودکان به ویژه کودکان استثنایی ابتدا سعی کنند روانشناسی و سپس آموزش را انجام دهند. شناخت روان و شخصیت کودکان استثنایی علاوه بر اینکه سبب تقویت مهارت های اجتماعی آن ها می شود، راحت تر می توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و مسئولیت هایی را در جامعه قبول کنند. همچنین این کودکان در موقعیت های جدید دچار تنش و اضطراب نمی شوند؛ چون استرس، خود مانع یادگیری در دانش آموزان می شود. بنابراین می توان گفت شناخت همه جانبه کودکان استثنایی سبب تسهیل در آموزش می شود. در این نوشتار به دو بخش روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی پرداخته شده که روانشناسی خود شامل کاهش اضطراب و بهبود مهارت های اجتماعی می باشد. بخش دیگر مربوط به آموزش است که شامل آموزش از طریق بازی های رایانه ای ، آموزش از طریق داستان خوانی و بازگویی داستان و آموزش از طریق تقلید متقابل ، موسیقی درمانی و هوش هیجانی می باشد.

## منابع و مراجع

- [۱] افروز، غلام علی (۱۳۸۰). کودکان استثنائی کیستند؟ نشریه علوم تربیتی پیوند، شماره ۲۶۸، از صفحه ۸ تا ۲۰.
- [۲] ابارشی، ربابه؛ تیموری، سعید (بی تا). تاثیر قصه گویی همراه با ایفای نقش بر یادگیری مهارتهای اجتماعی کودکان ناتوان ذهنی آموزش پذیر، پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۳۱.
- [۳] برزگر بفرئی، کاظم؛ زارعی حسین آبادی، مهدی؛ امیدیان، مرتضی (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر اضطراب اجتماعی نوجوانان پسر کم توان ذهنی، فصلنامه افراد استثنایی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۵.
- [۴] به پژوه، احمد؛ کرمی نژاد، رضا؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۲). آموزش هوش هیجانی و اثر بخشی آن بر دانش آموزان با آسیب بینایی، فصلنامه افراد استثنایی، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۲.
- [۵] تهذیبی، نسرين (۱۳۸۴). آموزش و پرورش کودکان دارای نیازهای ویژه و حرکت به سوی آموزش فراگیر. شماره ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱، صفحه ۳۸ تا ۴۷.
- [۶] چینی فروشان، محسن (۱۳۷۱). تربیت کودک استثنائی با یک تربیت استثنائی. نشریه علوم تربیتی رشد معلم، شماره ۸۲، صفحه ۱۰ تا ۱۵.
- [۷] گنجی، کامران (۱۳۸۲). بازی و کودکان استثنائی. فصلنامه علوم تربیتی تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۲۴ و ۲۵، صفحه ۳۳ تا ۴۱.
- [۸] متسون، جانی؛ اولندیک، توماس؛ ترجمه احمد به پژوه (۱۳۸۴). بهبود بخشی مهارت های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش. تهران: انتشارات اطلاعات.
- [۹] منطقی، م. (۱۳۸۷). راهنمای والدین در استفاده از فناوری ارتباطی جدید: بازی های ویدیویی - رایانه ای. تهران: عابد.
- [۱۰] یوسفی لویه، م؛ متین، آ. (۱۳۸۵). تاثیر قصه درمانی بر راهبرد های روبارویی کودکان با مشکلات یادگیری، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۲۰، ۶۲۲-۶۰۳.